

مطبوعات

رئیسعلی دلواری یواشکی ثبت ملی شد!



مجید انصاری: عوامل نفوذی در برخی نهادهای انقلابی شناسایی شوند.



مدیر کل محیط زیست سمنان: گورخر ایرانی بعد از ۳۳ سال به پارک ملی کویر بازمی گردد.



بعد یواشکی بفرستیمشون برن کانادا!



جهانگیری: آنچه می تواند کشور را تهدید کند افراد و گروههایی هستند که اعتماد و امید مردم را هدف گرفته اند.



فرماندار آبادان: آب بهای خرداد و تیرماه برای مردم آبادان و خرمشهر رایگان شد.



مدیر کل گردشگری بوشهر: محل شهادت رئیسعلی دلواری ثبت ملی شد.



مثل اینکه آئینه نهاد ریاست جمهوری درست شده دکتر!

شرف و غیرت و ناموس و... چطور؟

باشه!

تعارف نکن خلاصه!

کاش غیرت و ایمانش هم ثبت ملی می شد

مجلس شورای اسلامی

بیابالا!

ماجرای ما و خودروسازان!

دبروز بعد از عمری پس انداز کردن، رفتم مرکز فروش شرکت واسه تحویل گرفتن خودرو که باهاش برم مسافر کشی، نشستم و سوئیچ رو انداختم خواستم استارت بزنم که یارو اومد زد روی شونه ام گفت داداش بیابالا! گفتم داداش ما به عمر یابین بودیم چی چی بیابالا! گفت خب بیابالا! بیابالا! گفت چرا! گفت رفت بیابالا! گفتم چی؟ گفت قیمت خودرو. گفتم چون جدت این یکی رو زیر سبیلی رد کن، به قرونم دیگه پول ندارم همینم با قرض و قوله جمع کردم. گفت نوچ! نمیشه، از بیابالا گفتن. گفتم حالا مگه چی شده که قیمتت رفته بیابالا! گفت دیگه نمیداد داخل! گفتم چی؟ گفت خودروهای خارجی. گفتم به ما چه؟ گفت مجبور میشی! گفتم به چی؟ گفت به خرید خودروهای داخلی. گفتم ما همینجوری نوکر شما هم هستیم، چونمونم وانستون میدیم دیگه باید چیکار کنیم؟ گفت ما هم برای شما امکانات خودروها رو بالا بردیم. گفتم کوا؟ گفت این زه ها رو میبینی؟ این شاخک های لاستیک رو میبینی؟ این ترمز دستی رو میبینی؟ اون بالا، چراغ خودرو رو میبینی؟ گفتم آره. گفتم خب بیابالا، گفتم چی؟ گفت پول. گفتم چرا؟ گفت چون اینا از این به بعد جزو آپشن های خودرو رو حساب میشه. گفتم وزارت صنعت، معدن و تجارت چی میگه این وسط؟ گفت بکش پایین شیشه رو! گفتم چشم!

خلاصه از خودرو پیاده شدم هر چهار چرخش رو بوسیدم و از دنیای خودروها برای همیشه خداحافظی کردم. الانم موتور سه چرخ سوار شدم دارم توی شهرمون خرمشهر آب میفروشیم. آب معدنی... آب تصفیه... آب خلیج فارس!



زهرا فرقانی

بووووق ممتد!

ای دیو گرانی و تورم ای عامل این فشار بی حد بردار ز روی نای ما پای بابا پدر همه درآمد بابا که به یک طرف، جدیداً درآمد از همه پدر جد رحمی نمنا اقل کم بر اقشار ضعیف کم درآمد از بار غم تو میل کرده هر جمعیتی به صفر و مفرد آن حجم عظیم آب و صابون اینک هممه اش حساب زاید این خیل حباب سکه و ارز کرده سر راه خلق را سد ملت به امید تیر تدبیر ماندند معطل و مجرد این بین یکی سلبریتی کمبین نمی خریم هم زد فرموده به کل خرید ممنوع داده ست دوباره بی گمان رد از بس که گران شده همه چیز این پول به هیچ هم نیرزد بر روح هر آنکه بی شعور است دائم بفرست بووووووق ممتد یارب تو خودت نجاتمان بخش از شر هزار و... چار درصد

دوره آموزشی مهارت های کار با کامپیوتر

دوره آموزش طرز مهارت های

برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام، با شماره ۰۹۳۶۹۰۶۸۲۹۹ تماس حاصل فرمایید. فرصت ثبت نام تا ۱۰ تیر

کتاب

هفتمین شب طنز انقلاب اسلامی

تألیف: یحیی رجبی، سید محسن حسینی، سید محمد موسوی

امتحان آیین نامه

با مداد بنفش کمرنگ پاسخ صحیح را دهید!



الف) بیهوش رانندگان را عوض نکنید (به) با احتیاط از روی بنفش عبور کنید (دال) همه موارد



الف) منطقه شکار حیوان نر (به) منطقه شکار حیوان مرضی (جیم) شکار برای چشم آبی ها آزاد (دال) منطقه حفاظت از پل زیت



الف) گرانی خودرو حساب است (به) محل تحویل زه ۲۰۱۸ (جیم) همون گاری رو چسب (دال) محل توقف خودروی مدیر



الف) FATF را مسکوت بگذارید (به) FATF را یواشکی تصویب کنید (جیم) به FATF نزدیک شوید (دال) FATF را در چشمتان فرو کنید

افشار جابری

ذکر عمر نا پراید

آوردمانند اگر دلیلی برای گران شدن نمی دید، دلیلی برای ارزان ماندن هم نداشت و جمیع فلاسفه بلاد کفر و ایمان، از این طرز تفکر انگشت حیرتشان در دهان منطقتان مانده بود. لیکن شیخنا پراید التفات نمی کردی و به تاخت جاده در می نوردیدی.

نقل است در روزهای آخر لخت مادرزاد شده بود و هرآنچه داشت را دروغ کرده. به یقین نه چرخ داشت و نه موتور و نه صندلی و فی الجمله از آن همه هیبت یک فرمان پلاستیکی مانده بود که مادرها می خریدند به جهت اسباب سرگرمی کودکانشان لیکن به قیمتی همچنان گزاف. مریدان به او گفتند: «پراید، چه چیز تو را اینچنین خوار و خفیف کرد؟» بوقی از ته دل برآورد و گفت: «خفیف عمدتان است، من با همین وضع خریدار دارم، آه، قیمت دارم، آوه، گران می شوم، ایبه، دود از آگزوز قدیمی بلند می شود و بس...» خدایش نیامرزد خیلی رک بود. فوقع ما وقع...

آن شیر جاده تک بانده، زمین و زمان با آن راننده، آن همه در کار او مانده، رقبای را جمیعا چزانده، فرشته مرگ ساید بای ساید، مولانا و شیخنا پراید. کار او از عجایب غریب بود و آن گروه اندکی که اغلب چیزهای سخت را درک می کنند هم نتوانستند او را درک کنند. چیز پدرش که وقتی به دنیا آمد به او گفت: «آوازه تو روزی از شرق تا جنوب و از شمال تا غرب این سرزمین را در برمی گیرد» و گرفت.

نقل است ارزان بود، از پیر طریقت چاره جوئی کرد که این چندغازه نه در شأن من است. خطایش داد اینجا همه چیز برعکس است، ارزان شو تا گران شوی! او به حق این سخن ترسید مگر وقتی که یک به یک آپشن های خودش را حذف می کرد و از آن طرف قیمت و طالبانش روز به روز فزونی می یافت.



مرض!

طبق آمار به دست آمده من بیمارم مرض قلدری مفرد و مزمن دارم چونکه در کل جهان عامل جنگ و ترورم از حقوق بشر و دغدغه اش بیزارم



ویژه نامه طنز راه راه

کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

سر دبیر: بهزاد توفیق فر

دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی

دبیر سرویس کارتون: کامران یاری

مدیر فنی: امیر حسن محمدپور

صفحه بندی: مجتبی سالاری

با ما بتماسید!

رایانامه: info@rahrantanz.ir

سروش: tanzym_ir

اینستاگرام: tanzym_ir

بله: tanzym_ir

راه راه	دراز و بی فواید	حکایت میکند	شبه بودن	می گویند	از اکثر طرف سیه
طولی از نوع صفت	چاشنی بر سر مراسمات	شبه بودن	توجه است، ما که نماندیم	اسم پست	ر
محل تصویرگری	تولانترین صف ثان	الف) منطقه شکار حیوان نر (به) منطقه شکار حیوان مرضی (جیم) شکار برای چشم آبی ها آزاد (دال) منطقه حفاظت از پل زیت	رنگ چلبک سیاس	رنگ چلبک سیاس	ز
ماده قدر استخراجه	الف) FATF را مسکوت بگذارید (به) FATF را یواشکی تصویب کنید (جیم) به FATF نزدیک شوید (دال) FATF را در چشمتان فرو کنید		رنگ چلبک سیاس	رنگ چلبک سیاس	ی
آفرین با کود			گوشه ترکی	گوشه ترکی	ت
ماده قدر استخراجه			عالم نیرمان حک می کنند	عالم نیرمان حک می کنند	ا
مع الاسف است			توری به نام	توری به نام	خ
در شمال مریزانند			کتاب کمان	کتاب کمان	ا
			توی خاروس	توی خاروس	ت
			روز و نوک بوم ریخته	روز و نوک بوم ریخته	و
نکات خردان اصحاب خردان			محل فرارگری چیزی مثل نمک توی نمکون	محل فرارگری چیزی مثل نمک توی نمکون	ن